



# واکاوی حکم قضایی ارتداد

مؤلف:

دکتر امیر حمزه بهرامی زائر

استاد دانشگاه سیستان و بلوچستان، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی

[amir\\_hsalar@theo.usb.ac.ir](mailto:amir_hsalar@theo.usb.ac.ir)

سرشناسه: سالارزائی، امیرحمزه، ۱۴۴۰.  
عنوان و نام پدیدآور: واکاوی حکم قضایی ارتداد/ مولف: امیرحمزه سالارزائی  
مشخصات نشر: زاهدان، دانشگاه سیستان و بلوچستان، ۱۳۹۷  
مشخصات ظاهری: ۲۰۳ص، وزیری.  
فروست: انتشارات دانشگاه سیستان و بلوچستان، ۱۵۳.  
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۱۴۵-۷۹-۳  
وضعیت فهرست نویسی: فیبا  
یادداشت: ۱۹۳ص.  
موضوع: ارتداد (فقه)  
نوع: محاکمه ها (ارتداد)  
موضوع: ارتداد - اسلام - جنبه های قرآنی.  
شناسه افزوده: دانشگاه سیستان و بلوچستان، مرکز چاپ و نشر  
شناسه افزوده: University of Sistan and Baluchistan  
رده بندی کنگره: ۱۳۷ و ۱۷/۱۹۶۰ BP  
رده بندی دیویی: ۱۷/۳۷۷  
شماره کتابشناسی ملی: ۴۸۱۹۵ ه



ناشر: انتشارات دانشگاه سیستان و بلوچستان

## واکاوی حکم قضایی ارتداد

مولف: دکتر امیرحمزه سالارزائی

چاپ: چاپخانه المهدی دانشگاه سیستان و بلوچستان

نوبت چاپ: اول، ۹۷، قیمت: ۴۰/۰۰۰ تومان، شمارگان: ۱۰۰۰

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۱۴۵-۷۹-۳

تمام حقوق چاپ و نشر این اثر طبق قرارداد محفوظ است، هرگونه چاپ و تکثیر از محتویات این کتاب بدون اجازه کتبی ممنوع است، متخلفان به موجب قانون حمایت از حقوق مولفان، مصنفان و هنرمندان تحت پیگرد قانونی قرار می گیرند.

## Contents

۱	پیش‌گفتار .....
۳	مقدمه .....
۵	فصل اول .....
۵	مفاهیم و مبانی نظری .....
۶	۱-۱- مفهوم ناسی .....
۶	۱-۱-۱. حق .....
۹	۱-۱-۲. حق حیات .....
۱۳	۱-۲-۱. ارزش حیات و عدم حس نفس در آیات و روایات .....
۱۷	۱-۱-۳. عقیده .....
۱۸	۱-۲. منابع حقوق .....
۱۸	۱-۲-۱. قرآن .....
۲۲	۱-۲-۲. سنت .....
۳۱	۱-۲-۳. اجماع .....
۳۳	۱-۳-۱. اعتبار اجماع .....
۳۹	فصل دوم .....
۳۹	تعارض آزادی عقیده و بیان، با مجازات حدی مرتدان .....
۴۰	۲-۱. پذیرش دین در آیات .....
۴۱	۲-۲. لطافت‌های آیه «لا اکراه فی الدین» .....
۴۱	۲-۲-۱. بررسی ادبی «لا اکراه فی الدین» .....
۴۹	۲-۲-۲. حکم آیه لا اکراه فی الدین .....

- ۲-۲-۳. مفهوم کراهت ..... ۵۲
- ۲-۲-۴. مفهوم اکراه ..... ۵۶
- ۲-۲-۵. بی اثر بودن دین اکراهی ..... ۶۱
- ۲-۲-۶. ناسازگاری اراده تکوینی و تشریحی ..... ۶۵
- ۲-۳. آزادی اراده و اندیشه در قرآن ..... ۶۶
- ۲-۴. نیاز ذاتی و جوهری و تشویق قرآن به تفکر در خلقت جهان و انسان ..... ۷۳
- ۲-۵. نگاه سلام و خرد به موضوع اعتقاد ..... ۸۱
- ۲-۶. اسلام دین دعوت و احسان و حریت ..... ۸۴
- ۲-۷. رفتار ملایم و منطقی با مخالف ..... ۸۷
- ۲-۸. سیالیت فکر و عقیده ..... ۹۰
- ۲-۹. حجیت قطع ذاتی باورهای قطعی ..... ۹۲
- ۲-۱۰. تابعیت احکام از مصالح واقعی ..... ۹۶
- ۲-۱۰-۱. عقیده عدلیه ..... ۹۸
- ۲-۱۱. رشد اندیشه در بستر آزادی ..... ۹۸
- ۲-۱۲. دعوت منطقی، غیر انتفاعی و نرم ..... ۹۹
- ۲-۱۳. برداشتن اسارت‌های فکری ..... ۱۰۱
- ۲-۱۴. حدیث مطلق اندیشه ..... ۱۰۲
- ۲-۱۵. چگونگی ادراکات انسان ..... ۱۰۸
- فصل سوم ..... ۱۰۱
- ماهیت مجازات ارتداد در اسلام ..... ۱۰۱

- ۱۱۴ ..... ۳-۱. اقسام مجازات مرگ پیش از اسلام
- ۱۱۴ ..... ۳-۱-۱. سوزاندن
- ۱۱۴ ..... ۳-۱-۲. سنگسار
- ۱۱۶ ..... ۳-۱-۳. به صلیب آویختن
- ۱۱۶ ..... ۳-۱-۴. اعدام
- ۱۱۸ ..... ۳-۱-۴-۱. اعدام حدی
- ۱۱۸ ..... ۳-۲. ارتداد
- ۱۳۰ ..... ۳-۲-۱. مجازات ذری مرتد
- ۱۳۲ ..... ۳-۲-۲. شواهد دیگر بر مدعا
- ۱۳۲ ..... ۳-۲-۳. نکته‌های مستفاد از آیات ارتداد
- ۱۴۴ ..... ۳-۲-۴. پیامد حیط اعمال به عنوان واکنش مرتد به ارتداد
- ۱۴۹ ..... ۳-۲-۵. رعایت احتیاط در مجازات حدی مرتد
- ۱۵۴ ..... ۳-۲-۶. سیاست کیفری قتل در قرآن
- ۱۵۵ ..... ۳-۲-۷. حوزه معنایی جواز کیفر قتل در قرآن
- ۱۵۸ ..... ۳-۲-۸. فرصت سازی در قرآن
- ۱۶۴ ..... ۳-۲-۹. شرط حجیت خبر واحد در صورت موافقت با قرآن
- ۱۷۳ ..... ۳-۲-۱۰. حکم متکی بر سیاست کیفری اسلام
- ۱۷۸ ..... ۳-۳. آزادی اندیشه
- ۱۷۹ ..... ۳-۴. حریت عقیده
- ۱۸۱ ..... ۳-۵. آزادی حساب نشده و سودمند

۱۸۴..... ۳-۶- جمع بندی

۱۹۰..... نتیجه گیری

۱۹۱..... منابع و مأخذ

www.ketab.ir

## پیش‌گفتار

در اسلام اعتقاد به توحید، اصل الاصول و رأس المال فکر دینی تلقی می‌شود و به دنبال آن، بندگی خدا سر فهرست دعوت تمام انبیاء و اولیای الهی از آغاز خلقت بشر تاکنون و بویژه با رسالت خانمیت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)، محسوب می‌گردد. در جانب دیگر و در عقل عملی، حرمت و کرامت انسان و پاسداشت حقوق اساسی او در رأس همه آنها حق حیات تلقی می‌گردد، از جایگاه بی‌نظیری برخوردار است. اهمیت این امر تا جایی است که از منظر قرآن، سلب حق حیات انسان به ناحق، با صرف نظر از نژاد، زبان و نژاد او، کشتن همه انسانها تلقی می‌شود. تمثیل‌ها و تشبیه‌ها در قرآن ذکر گردیده که تدبیر در آنها در عمق دانش و گستره بینش انسان اثر سازندگی بالایی دارد. از جمله اینکه خداوند متعال می‌فرماید: «وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ وَمَا يُحِيطُ بِهَا إِلَّا الْقَلِيلُ الْمُؤْمِنُونَ»<sup>۱</sup> و این مثلها را برای مردم می‌زنیم (ولی) جز دانشوران آنها را درنیابند». در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: «لَوْ أَنْزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ لَرَأَيْتَهُ خَاشِعًا مُتَصَدِّعًا مِنْ نَجْمِ اللَّيْلِ وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ»<sup>۲</sup> اگر این قرآن را بر کوهی فرومی‌فرستادیم یقیناً آن (کوه) را از بیم خدا فروتن (و) از هم پاشیده می‌دید و این مثلها را برای مردم می‌زنیم، باشد که آنان بیندیشند».

در آیات آغازین سوره مبارکه "الرحمن" آمده است: «الرَّحْمَنُ رَحِمَ الْقُرْآنَ خَلَقَ الْإِنْسَانَ عَلَّمَهُ الْبَيَانَ؛ خدای رحمان قرآن را یاد داد، انسان را آفرید، به او بیان آموخت». با در نظر گرفتن مفهوم آیه موردنظر و امثال آن، می‌توان گفت که وقتی بحث از آموزه‌های نورانی قرآن و سپس خلقت و دادن حیات به انسان و نعمت نطق و کلام مطرح می‌شود، توجه ما به صفت بارز خداوند که همان رحمت است معطوف می‌گردد و به نوعی آیات مفید این مضامین، بیان‌کننده برخورد نرم و همراه با مهربانی در حوزه آزادی

<sup>۱</sup> عنکبوت، ۴۳.

<sup>۲</sup> حشر، ۲۱.

بیان است؛ زیرا در میان مخلوقات، جان انسان، فکر انسان، و نطق و آزادی بیان او دارای ویژگی ممتازی است. از همین رو انتخاب فکر و اندیشه احسن، از سوی قرآن بشارت داده شده است و این از باب تحکم نیست، چنان که خداوند منان در یک خطاب عام به همه بندگان می فرماید: «وَ الَّذِينَ اجْتَنَبُوا الطَّاعُونَ أَنْ يُعْبُدُوهَا وَأَنَابُوا إِلَى اللَّهِ لَهُمُ الْبُشْرَى فَبَشِّرْ عِبَادَ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُو الْأَلْبَابِ»<sup>۱</sup> (ولی) آنان که خود را از طاغوت به دور می دارند تا مباد او را بپرستند و به سوی خدا بازگشته اند، آنان را مژده باد، پس بشارت ده به آن بندگان من که به سخن گوش فرا می دهند و بهترین آن را پیروی می کنند، اینانند که خدا پیمان راه نموده و اینانند همان خردمندان». مطابق آیه مورد نظر، مضاف واقع شدن عباد، از باب اضمار تشریفی است و در ادامه، آیه مذکور، به صاحبان اندیشه و خرد ختم می شود، چنانچه در این آیه از این مطلب حکایت دارد که بندگی فاخر زمانی محقق می گردد که عمر را به خردورزی و از روی بکارگیری قوای عقلانی باشد، نه بندگی از روی ترس و تحسین. عبارت واضح، اصل آزادی و به دنبال آن اختیار و آنگاه آزادی در بیان، بدون تمسخر و بوالهوس طغیان، از مسلمات آموزه های وحیانی و منتهی به سنتهای عقلانی است و این که کوششهای فکری بشر و نتایج آن چقدر با عالم ثبوت و حقیقت سازگار باشد یک مقوله دیگر به شمار می آید.

<sup>۱</sup>. زمر، ۱۷ و ۱۸.



«وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا يَوْمَ نَدْعُو كُلَّ أَنَسٍ بِإِمَامِهِمْ فَمَنْ أَوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَأُولَئِكَ يَقْرَءُونَ كِتَابَهُمْ وَلَا يُظَلَمُونَ فَتِيلًا»<sup>۱</sup> و محققاً ما فرزندان آدم را بسیار گرامی داشتیم و آنها را (بر مرکب) در بر و بحر سوار کردیم و از هر غذای لذیذ و پاکیزه آنها را روزی دادیم و آنها را بر بسیاری از مخلوقات خود برتری و فضیلت کامل بخشیدیم. روزی که هر گروهی از مردم را با رهبران و پیشوایانشان فرا می‌خوانیم، پس هر کس نامه عملش به دست راستش داده شود، آنان نامه خود را (با شادی و سرور) می‌خوانند و کمترین ستمی بر آنان نخواهد شد.

با توجه به مفهوم عمیق ذکر شده، یکی از مصادیق تفضل خداوند بر انسان، همان آزادی بیان و قدرت اختیار است. به عبارتی ملائک تسلیم محض به انجام عبادتند، حیوانات تابع غرایز خود هستند، از سن و صنف و انواع دیگر، مدینه و تمدنی حاصل نمی‌گردد، بلکه اطاعت و بندگی محض سر مینماید و این همه تحوّل و تمدن خیره کننده، نتیجه عقلانیت و اراده آزاد انسان است. اصل آزادی و به دنبال آن اختیار از میان گزینه‌های متنوع و متعدد، بدون شک جزء صوا اساسی زندگی معنادار بشر محسوب می‌شود و از منظر قرآن، انتخاب احسن به معنای آزادی معقول و منطقی انسان است، نشانه‌ی دانش ورزی و خردمندی بشر می‌باشد. تعبیر واضح تر، اگر بازار اندیشه، عقیده و تبلیغ رونق نداشته باشد و هر کس را هر گزایشی متاع و محصول فکری خود را عرضه نکند، گزینش احسن چگونه صورت گیرد؟ از همین رو، در میان گونه‌های مختلف آزادی، آزادی عقیده و به دنبال آن آزادی بیان در قرآن که قانون اساسی انسان محسوب می‌شود از ویژگی‌های خاص و مصداقی بارز از تکریم انسان محسوب می‌شود. آزادی بیان مقرون به حسن نیت و بدون سوء نیت و دسیسه، با صرف نظر از صحت و سقم ثبوتی آن، لازمه عقلی آزادی عقیده تلقی می‌گردد، بدین معنی که اگر انسان با تلاش در حد توان خود، عقیده ای را برگزیند که در واقع

۱. اسراء، ۷۰ و ۷۱.

باطل است و برای چنین فردی مجازات سخت دنیوی در نظر گرفته شود، با فقدان سوء نیت (عنصر معنوی و روانی جرم)، وصف مجرمیت نسبت به وی، اگر نگوییم منتفی است، حداقل مشکوک است، از طرفی دیگر، حسابرسی انسان جستجوگری که فکر می کند راه صواب و نجات در غیر پیمودن در راه دین اسلام است (با فرض جهل تقصیری) در جهان آخرت نیز با خداوند متعال خواهد بود، این تحلیل را به وضوح می توان از آیه پیش رو برداشت کرد: «وَمَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ»<sup>۱</sup> و هر که جز اسلام دینی جوید هرگز از وی پذیرفته نشود و وی در آخرت از زیانکاران است». این اثر در سه فصل گامنه شده است:

فصل اول: مفاهیم و مبانی نظری

فصل دوم: تعارض آزادی تنیده بین، با مجازات حدی مرتدان

فصل سوم: ماهیت مجازات ارتداد در اسلام

و در نهایت به این نتیجه رسیدیم که ارتداد یک عنوان اجتهادی است بدون شک یک گناه بزرگ محسوب می گردد، لکن با فراهم شدن شرایط وصف مجرمانه نسبت به مرتکب آن، پس از احراز مجرمیت در دادگاه صالح، در رزمه جرایم تعزیری قرار می گیرد و مجازات اعدام برای چنین شخصی آن هم در قالب حدت اگر نگوییم منتفی است، حداقل مشکوک بوده و بنا به سیاست کیفری مبتنی بر اهل سنت برجسته حق حیات در اسلام و قاعده مسلمة فقهی الحدود تدرء بالشبهات، مجازات سلب حیات از مرتکب دفع می شود و از سوی دیگر آیات ارتداد نیز ناظر بر مجازات اخروی است و خبر واحد مظنون الصدور تاب مقاومت در برابر ظهور آیات را ندارد، و تنها در حدت مجازات قضایی و در قالب تعزیر قابلیت جمع با ظهور آیات را دارد.

۱. آل عمران، ۸۵.